

زبان فارسی است ، که ما هستیم

نویسنده : دکتر بصیر کامجو

نخست - پیدایی و بزرگی زبان فارسی :

زبان فارسی ، زبان اول عرفان جهان ، زبان دوم جهان اسلام ، دومین زبان کلاسیک جهان پس از زبان یونانی ، زبان دانشی حوزه تمدنی آسیا در فرآیند چندین هزار سال بوده و است

زبان فارسی از زمان کوروش بزرگ - 559 قبل از میلاد (جد اعلی تاجیکان و پارسها و گردها) مؤسس شاهنشاهی هخامنشی ها تا به امروز در جغرافیایی سیاسی کشورهای مختلفه جهان از جمله : پاکستان ، هند ، چین ، افغانستان (خراسان) ، تاجیکستان ، ازبکستان ، قرغزستان ، قزاقستان ، ترکمنستان ، عمان ، امارات متحده عربی ، ایران ، جمهوری آذربایجان ، ارمنستان ، گرجستان ، روسیه ، ترکیه ، قبرس بلغارستان ، یونان ، مقدونیه شمالی ، آلبانی ، اوکراین ، رومانی ، مولداوی ، عراق ، کویت ، عربستان سعودی ، اردن ، سوریه ، لبنان ، فلسطین ، اسرائیل ، مصر ، لیبی ، سودان ، اتیوپی ، اریتره ... فرمانروایی فرهنگی و سیاسی داشته است .

همچنان زبان فارسی در فرآیند 2580 سال موجودیت دانشورانه اش به مثابه بستر معرفتی علوم :

الهیات - خداشناسی و وحدت وجود ، معرفت دینی و مذهبی ، صرف و نحو و کلام ، فلسفه ، اقتصاد ، شعر و ادبیات ، موسیقی و هنر ، عرفان ، الجبر ، فزیک ، اخترشناسی ، زیست شناسی ، دانش پزشکی ، علوم اجتماعی و انسانی ، فلسفه علم ، تاریخ ، جغرافیا ، اخلاق ، شیمی ، روانشناسی ، انسانشناسی فرهنگی ، علوم کاربردی ، علوم سیاسی ... و غیره در خدمت جهان بشریت قرار گرفته است .

اکنون زبان فارسی در کشورهای ، فارسی زبان مانند ایران کنونی ، خراسان (افغانستان) ، تاجیکستان ، ازبکستان ، ترکمنستان برخی شهرهای مختلفه ای کشورهای هندوستان ، پاکستان ، سین کیانگ چین ، قرغزستان ، قزاقستان ، دگستان ، روسیه ، آذربایجان ، اوکراین ، آمریکا ، آلمان ، فرانسه ، انگلیستان ، دنمارک ، هالند ، سویدن ، ناروی ، فنلند ، ترکیه ، یونان ، ایتالیا ... به مثابه زبان تفاهم ملی و همبستگی و همآیشی شهروندی نقش سازنده دانشی و اجتماعی خویش را در میان انجمن فارسی زبانان مقیم این کشورها ایفاء می نماید .

دوم - جایگاه و مقام زبان فارسی

زبان فارسی توانایی ساختن 225 میلیون واژه را دارد

زبان فارسی یک سده پیش از زبان لاتین و 12 سده قبل از زبان انگلیسی وجود داشته

زبان فارسی ، از 10 شاعر برتر جهان 5 نفر از آنها فارسی زبان هستند .

پس زبان فارسی زبانی است که اگر تعداد زیادی افعال را کنار هم بگذاریم و در آخر یک جمله معنی دار بدست می آید که در دیگر زبانهای جهان چنین چیزی ممکن نیست . بگونه نمونه :

داشتیم ، می رفتم ، دیدم ، گرفتم ، نشستم ، گفتم ، بگذار ، بپرسم ، ببینم ، می آید ، نمی آید ، دیدم ، می گوید ، نمی خواهم ، بیایم ، می خواهم ، برم ، بگیرم ، بخوابم ... بناً زبان فارسی با داشت چنین ارزش های گهربار خود توانسته جز ذات بُود هر گویشور خود گردد . پس !

زبان فارسی نزد ما زبانان قلب و چشم و جان و نفس و ذات ماست ؛

زبان فارسی هویت فرهنگی ، علم و دانش و معرفت ، فکر و احساس و اندیشه و دانش ماست ؛

زبان فارسی مُعرف شرافت و عزت و اعتبار ، کیستی و چیستی ، رونمای غرور و سربلندی ، سنگ پایه نمادهستی و بُود ماست ؛

زبان فارسی افتخار و آبرو و احترام ، بزرگواری و شرف و حیثیت و ناموس و وقار ماست ؛

زبان فارسی جان و گوشت و پوست و استخوان و گوهر وجودی زندگی ماست ؛

زبان فارسی ویژگی یکی شدن ، همآیشی و پیوستگی و هبستگی مردم ماست ؛

زبان فارسی امتیاز و برجسته شدن و نماد متمایز جوهر آگاهی ما از دیگران است؛

زبان فارسی شناسنامه مقام و منزلت و شایسته سالاری ما در پهلوی سایر ملل جهان می باشد .

ارزش فرهنگی تکامل پذیر زبان فارسی در حوزه تمدنی قاره آسیا : جهان بینی علمی ، عرفانی ، اخلاقی، ادبی و انسانی ایست که نیاز های معنوی و مادی حیات اجتماعی مردمان این خطه باستانی را با همکاری متقابل دست آورد های معرفت بشری روز ، بسوی پختگی و کمال رهبری می کند .

در یک کلمه ! ما فارسی زبانان بدون زبان شیرین فارسی و معرفت و آگاهی دانشی آن – وجود و رویت ملی و بین المللی نداریم ، همین زبان فارسی است – که ما هستیم ، و ما هستیم که زبان فارسی وجود دارد .

پس زبان فارسی در زندگی فارسی زبانان حیثیت اکسیژن در یک جسم زنده را دارد. همین گونه ای که جسم ما به اکسیژن نیاز حیاتی دارد و به همان مرتبه زندگی ما به زبان فارسی بستگی وجودی و ذاتی دارد. کوه های سرزمین ما ، دریا های خروشان آن ، اقلیم و آب و هوا ، خاک و جنگل و دشت و دمن و صحرا های آن همه و همه در فرآیند سه هزار سال اخیر « بُود شان » با زبان فارسی خمیر ، سرشته و آمیخته شده اند .

بنأ چشم پوشی از تعلیق ملیتی و قومی فرد ، پاسداری کردن از زبان فارسی بیک امر ناموسی و به عزت و اعتبار هر فارسی زبان و فارس گو مبدل گردیده است. و هر فارسی زبان باناموس جهت حفظ بقاء عزت و آبروی شهروندی خود بایست از زبان فارسی همچو مردمک چشم و ناموس خود نگهداری نماید . به فکر و اندیشه ما ! تغافل در مورد سرنوشت آینده زبان فارسی در سرزمین ما ، حرمت نگذاشتن به شیر مادر و به زبان مادری است .

سوم – پیشبرد سیاست فارسی ستیزی به زیان پشتونها است

از یک هزار و چهار سده به اینسو برخی گروه های بی دیانت و بادیه نشین بار باری تلاش کرده اند که این زبان تفاهم ملی میان ملیت هارا در این سرزمین از میان بردارند . اما باتمام قدرت موفق به انجام این نیت اهریمنی شان نگردیدند و سیاه روی شدند .

اکنون در روند 26 سال اخیر نیز برخی از افراد و گروه هایی از جنس اهریمن با همسویی اراده و نیت حکومت آخوند محمد عمر ، حامد کرزی و اشرف غنی ، تلاش ورزیدند که با برنامه های فارسی ستیزی چند تیشه ای بر ریشه این درخت تنومند معرفتی حوزه تمدنی آسیا وارد کنند .

دردا که ! رهبران افغان ما خود با زبان فارسی سخن می گویند و دانش و معرفت و آگاهی با زبان فارسی می آموزند و بوسیله همین زبان فارسی صاحب اندیشه و مسلمان شده اند و در دولت و جامعه کار و زندگی و سیاست می نمایند ، و با زبان فارسی مناسبات شهروندی با شهروندان کشور برقرار می نمایند اما برخلاف و بتأسف و درد که نمک می خورند و با بی حرمتی و سنگدلی خود نمکدان می شکنند .

همین اعمال سیاست فارسی ستیزی 26 ساله رهبران پشتون افغان ما آشکارا و پنهان در کشور سبب شد که اکثریت مطلق جوانان پشتون زیر نام طالبان به لشکر بیسوادان - دهقانان کشت خاشخاش و سربازان کور سرمایه تبدیل شوند ، در حقیقت امر این گروه بی هویت نه دانش دارند و نه سواد و نه کافر هستند و نه مسلمان بلکه یک کارد دوسره بیجان برای حلال کردن شهروندان کشور ما آماده خدمت می باشند .

باید گفت که فارسی زبانان 90 درصد نفوس کل کشور را تشکیل می دهند و شامل گروه های قومی تاجیکان و پشتونها و هزاره ها و ازبیکها و عربها و ده ها گروه های خرد و کوچک ملی مذهبی دیگر می باشند و زبان فارسی به مثابه زبان تفاهم ملی میان این ملیتها و اقوام نقش نماد همزیستی و همگرایی و پهلوی هم بودن و برای هم بودن را در حیات اجتماعی و فردی بازی می نماید .

با این نگرش از جلالت مآب امرالله صالح نایب نخست رئیس جمهوری اسلامی افغانستان و جلالت مآب سرور دانش نایب دوم رئیس جمهوری ، آرزومی بریم که در برابر پیشبرد سیاست فارسی ستیزی دولت در کل موضوع گیری سیاسی خویش را روشن بیان نمایند تا مردم بدانند که نماینده های شان در قبال کارنامه های انشفاق را دولت چگونه اندیشه ، نیت و اراده ای سیاسی دارند . مردم چشم براه جواب درست شما ها هستند . در غیر آن شهروندان خود می دانند که از زبان فارسی و ناموس و شرف شان با کدام وسایل و امکانات دست داشته دفاع و نگهداری نمایند . با احترام